



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلین نمی باشد

**23 جون 2024****داکتر سید عبدالله کاظم****به تقریب پنجاه و یکمین سالروز کودتای 26 سرطان 1352****گزارش تحلیلی سفارت امریکا در کابل در مورد "آینده رژیم داؤد"**

این گزارش تحلیلی تحت عنوان "آینده رژیم داؤد" پس از گذشت دو ماه از کودتای 26 سرطان بوسیله سفارت ایالات متحده امریکا در کابل به وزارت خارجه آن کشور ارسال شد که تحت شماره 6755، مورخ 17 سپتمبر 1973 قید گردیده است. این سند مهم توسط محترم احمد فواد ارسلان از روی متن رسمی آن که در آرشیف اسناد وزارت خارجه امریکا موجود است، به دري ترجمه و بتاريخ 24 جنوری 2016 در ویبسایت "افغان جرمن آنلین" به نشر رسیده است. نظریه اهمیت این سند تحلیلی که حاوی بعضی پیشبینی های قرین به واقعیت راجع به آینده نظام جدید جمهوری در کشور میباشد، با اختصار به ذکر بعضی نکات مهم آن ذیلاً پرداخته میشود:

**«17 سپتمبر 1973»**

موضوع: آینده رژیم داؤد -

تلگرام نمبر 6755 از سفارت امریکا به وزارت خارجه

**1 - خلاصه:** [در ارائه گزارشات شیوه معمول آنست که خلاصه موضوع در آغاز تذکار می یابد - کاظم] دو ماه بعد از کودتا، با آنکه داؤد در رأس رژیم جدید قرار دارد، مگر هنوز هم به صورت کامل در کنترل اوضاع نیست. نشانه های تشنج و بحران در بین رهبریت قوای عسکری که کودتا را انجام داده اند، به نظر میرسد و اما از بیرون همه چیز آرام معلوم میشود.... عملیه ساختن حکومت هم بنا بر دلایل ارتباطات فامیلی، و هم بنا بر مجادله شدید بر ضد فساد و رشوتخوری و سوء اداره به آهستگی به پیش میرود. شاید بعد از سپری شدن حدود شش ماه فهمیده بتوانیم که آیا واقعا داؤد کنترل قدرت دولتی را در اختیار دارد و یا نه. احتمال ضد کودتا موجود است اما نه کودتا بر ضد داؤد، بلکه از همه بیشتر این احتمال زیاد است که داؤد کوشش خواهد کرد که تا افراطی های چپی را از قدرت خارج بسازد.... گرچه یک تعداد زیادی ادعا میکنند که اتحاد شوروی در این کودتا نقش داشته است، اما نقش شوروی در این کودتا تا هنوز اسرار آمیز به نظر میرسد. داؤد اعلام کرده است که وی کمک و همکاری زیادتر امریکا و دیگر ممالک خارجی را میخواهد و دیده شود که آیا وی خواهد توانست استقلال خود را حفظ کند و یانه؟ در عین حال وی خواهد کوشید تا حد توان کمک های بیشتر شوروی را بدست بیاورد، البته وی این کمک ها را مطابق به شرایط خود میخواهد. ما در این مورد قبول داریم که این موقف واقعی داؤد است، البته موفقیت آن مبنی بر اینست که وی تا چه اندازه خواهد توانست که قدرت را در دست خود تمرکز بدهد.

**2 - دو ماه از کودتای ناگهانی میگذرد که داؤد را دوباره در افغانستان بر قدرت آورد. وضع سیاسی هنوز هم نا متعادل و بی ثبات است و از جنبه های متعددی شکننده به نظر میرسد....، خاصاً اگر از طرز دید راپور خلاصه اخیر SRF دیده شود و اگر از نظر راپور طولانی دفتر معاونت های سفارت امریکا USAID در رابطه به تمام فعالیت های معاونتی و امدادی امریکا (ضمیمه الف) دیده شود، منظره تاریکتر به نظر خواهد رسید....**

**3 - یک ملاحظه دیگر:** باید تذکر داده شود و متوجه بود که این پیشبینی ها و تحلیل ها و ادعا ها را که داؤد ناکام خواهد شد، نباید به آسانی قبول کرد. به این دلیل که قطع شدن روابط با دوستان سابقه و از بین رفتن دسترسی به منابع معمول گذشته و ایجاد یک رژیم با انضباط که برخلاف گذشته شدیداً متوجه تماسها است،

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

خواه نا خواه از نظرسایکولوژی یک روحیه منفی و بدبینانه را در بین ناظران بین المللی موجود در کابل ایجاد کرده است.

**4 -** مبارزه برای آینده رژیم داؤد حد اقل در سه جبهه مختلف به پیش میرود، اما خطوط این جبهات قاطعانه از هم جدا نیستند، بلکه بعضاً میدان های این مبارزات با هم مخلوط میگردند و این جنگ سردرگم پیشبینی در مورد اوضاع را بعضاً مشکل و خطرناک میسازد. جبهات مذکوره فوق قرار ذیل اند:

**الف -** همانطوری که ما بصورت متواتر در هفته های گذشته راپور دادیم، داؤد هنوز برچوکی قدرت به صورت کامل مستحکم نشده است و سایه ای یک کمیته مرکزی بر وی قرار دارد که پر از صاحب منصبان جوان عسکری است که کودتا را با وی پلان و عملی کردند. اکثریت این صاحب منصبان حد اقل چندین سال را در اتحاد شوروی برای تعلیمات عسکری گذرانده اند و بدون شک زیر تأثیر موفقیت های رژیم شوروی رفته اند. تصادم فکری این صاحب منصبان با داؤد احتمالاً در سه اصل ذیل است:

**اول -** تمایل این صاحب منصبان در عملی کردن راه حل های سریع افراطی مارکسیستی در مقایسه با طرز فکر داؤد که عبارت است از ایجاد دولت مرکزی قوی بر اساس عنعنات ملی افغانی و ایجاد تحولات محتاطانه؛  
**دوم -** عجله و بی تجربگی صاحب منصبان جوان که به یکبارگی خود شان را برای اولین بار در مسند قدرت عظیمی می بینند، در مقایسه با تجربه داؤد در امور حکومت کردن، تجربه و دانش و معلومات وی در مورد جامعه عنعنوی افغانستان، احترام به بزرگان و رهبری محتاطانه؛

**سوم -** آرزوی انقلابی برای ریشه کن کردن مناسبات قومی و فامیلی و مودل حاکمیت قدیم در مقایسه با اهمیت مداوم به آن مناسبات و مودل های موجود در جامعه افغانستان و احترام اکثر افغان ها به مناسبات موجود در افغانستان. این مجادله بین داؤد و این صاحب منصبان جوان در تقرر وزیران و مقامات کلیدی پایان تر از رتبه وزیر انعکاس یافته است و به ما نشان میدهد که چرا ساختن یک کابینه کامل به این آهستگی به پیش میرود و دیده میشود که داؤد از تخنیک "فابیان" Fabian [شیوه راندن مخالفان با تأخیر و بصورت تدریجی - کاظم] در سیاست معامله با این صاحب منصبان جوان در کمیته مرکزی استفاده میکند. مشاهده میشود که داؤد به مقرری های عجولانه این صاحب منصبان جوان موقع میدهد و با ثابت شدن بی کفایتی این ها در انجام امور آهسته آهسته یک تعداد از این مقرری ها را با اشخاص با تجربه و با کفایت انتخاب شده توسط خودش تعویض نماید.

**ب -** صحنه دوم این مجادلات که احتمالاً در این صحنه داؤد حمایت پرشور این همکاران خود را با خود دارد، عبارت اند از: از بین بردن تمام اثرات باقیمانده آن دوره غلط سنجیده شده ای نام نهاد "تجربه دیموکراسی" است. برای داؤد مهمترین الویت وفاداری به وی است. لیاقت و تجربه مسلکی برای وی مگر در درجه دوم قرار دارد. "مخالفان غیر مسئول" تحمل نخواهند شد و این نوع برخورد منتج به از بین رفتن کامل آزادی بیان تا یک آینده نامعلوم خواهد گردید. یک انقلاب خالص و شدید بر ضد فساد اداری و رشوختواری و خویشخوری آغاز گردیده است که هم داؤد و هم رفقای کمیته مرکزی وی شدیداً خواهان آن اند، اما عقده های قبلی از یک طرف و انتقام های شخصی که یکی از اساسات کلچر پشتون ها است، در تمام تصامیم مهم رول عمده ای بازی خواهد کرد. تماسهای آزاد افغان های تحصیل کرده در غرب با خارجی ها که در گذشته امر معمول بود، از این به بعد دیگر تحمل نخواهد شد و در نتیجه آن مقامات عالیرتبه سابق که از قدرت برکنار شده اند، برای "توجیه این که چرا از قدرت برکنار شده اند" نظریات منفی خود را به ما منتقل خواهند کرد. این مقامات عالیرتبه سابق به ما خواهند گفت که به دلیل اینکه در غرب تحصیل کرده اند، از مقام شان برطرف شده اند، در حالیکه اصل موضوع وفاداری و یا انتقام بوده است، نه مسائل ایدیولوژیک.

**ج -** و بالاخره جبهه دیگر عبارت است از آن مجادله روشن که در بین آن هائیکه میخواهند افغانستان را در همان مسیر متمایل با غرب نگهدارند و آن های که بی صبرانه در تلاش هستند که افغانستان را به یکی از اقمار اتحاد شوروی تبدیل نمایند، در جریان است.

**5 -** برخلاف توقع افغان ها و خارجی ها و با در نظر داشت اختلافات ایدیولوژیک و شخصی، واضحاً برقراری یک رژیم باثبات به آهستگی به پیش میرود. از طرف دیگر با در نظر داشت جوانب به هم مختلط مجادلات

متذکره در فوق، این پیشرفت برای برقراری یک رژیم با ثبات را آهسته تر میسازد. اکثریت افغان های ناظر به اوضاع به این عقیده هستند که ضرورت به حد اقل شش ماه است تا موضوع یک طرفه شود که آیا داؤد صاحب خانه خود و بادر این صاحب منصبان جوان میگردد و یا اینکه این صاحب منصبان جوان صاحب خانه و بادر داؤد خواهند گشت؟

**6 -** این احتمال شدید وجود دارد که قبل از اینکه خطوط اصلی این رژیم مشخص شود، در ظرف چند هفته آینده یک ضد کودتا صورت خواهد گرفت. این ضد کودتا احتمالاً توسط یکی از سه جانب ذیل اجراء خواهد شد: **یک -** احتمال دارد که تحمل و حوصله گروپ صاحب منصبان جوان در مورد رهبری احتیاط آمیز داؤد به سر برسد و دست به یک ضد کودتا زده وی را با شخص مورد اعتماد خود تعویض نمایند. **دو -** صاحب منصبان بلند رتبه عسکری و پولیس رژیم سابقه که از مسیر حرکت این رژیم پریشان هستند و برکنار شدن خود را از قدرت تحمل کرده نمیتوانند، شاید برای این که دوباره به قدرت برسند، با استفاده از یک نوع مناسبات نظام شاهی دست به یک ضد کودتا بر ضد دولت داؤد بزنند. **سه -** اتفاق نظر وسیع موجود است که شخص داؤد آهسته آهسته و خاموشانه خود را در موقعیتی قرار میدهد که با یک حرکت، یک تعداد از این صاحب منصبان جوان را از قدرت بیرون نموده و موقعیت خود را در رأس قدرت تثبیت و مستحکم بسازد. کسانی که داؤد را در دوران رژیم قبلی و در زمان قدرتش در سالهای 1950 می شناسند و از شخصیت داؤد آگاه اند، به این عقیده هستند که این امکان ندارد که داؤد برای مدت زیادی یک نقش مثل جنرال نجیب را بازی نماید. اما دور بودن داؤد از قدرت برای ده سال سبب شده است که وی یک تعداد از همکاران سابق خود را با خود ندارد و یا آن دوستان وی دیگر قدرت و نفوذ سابق را ندارند و پایه های قدرت شخصی محمد داؤد بسیار محدود است. کوچکترین قدم اشتباه در موضوع پشتونستان باعث جنجال بزرگی خواهد شد و برای پلان های داؤد قبل از وقت خواهد بود که درک همین موضوع باعث احتیاط بی اندازه داؤد شده است. اگر چه پیش بینی در مورد این سه احتمال بالا بسیار مشکل است اما امکان این نوع ضد کودتای سوم زیاده تر از دو امکان دیگر است.

**7 -** نقش شوروی قبل و بعد از این کودتا هنوز در پرده اسرار باقیمانده است. ما تا هنوز هیچ استخبارات قابل اعتبار در این مورد در دست نداریم. منطق حکم میکند که آن نظریه زیاده تر به واقعیت نزدیک است که زیاده ترین درجه دخالت شوروی قبل از کودتا احتمالاً در این است که شوروی ها با خبر شده اند که واقعه ای در حال وقوع است و همین که کودتا صورت گرفت به سرعت برای تأمین حد اکثر منافع خود در این رژیم داخل عمل شدند، البته آنهم تا اندازه ای که حساسیت موضوع را در نظر میگیرند و نمیخواهند که به دنیای خارج این نشانه داده شود که شوروی ها در امور داخلی افغانستان مداخله میکنند. برخلاف نظریه بالا یک تعداد افغان های که بسیار با فهم و تحصیل کرده و در مورد اوضاع سیاسی حساس هستند، ادعا دارند که "آنها با خبر هستند" که رابطه بسیار نزدیکی بین شوروی ها و کودتای ها وجود داشته است. البته این جای شک نیست که در مقرری ها در وزارت های مختلف و در کمیته مرکزی موجودیت افراد حزب پرچم کمونیست طرفدار شوروی زیاده تر از همه مشاهده میشود. یک تعداد منابع دیگر ادعا دارند که این کودتا توسط شوروی ها اجراء شده است (در مورد این ادعا راپور جداگانه فرستاده خواهد شد).

در هر صورت، صرف نظر از این که کدام یک از این مدعیات به واقعیت نزدیک است، ما عقیده داریم که این ناممکن است که داؤد اجازه بدهد که به وسیله شوروی ها استعمال شود. البته داؤد کوشش خواهد کرد تا حدی که توان دارد و ممکن است، از گاو شیری شوروی ها حد اکثر استفاده را برای افغانستان بدوشد و از تمام امکانات اقتصادی و حمایت سیاسی برای پیشبرد پلان و نقشه خودش استفاده خواهد کرد. ما این اظهارات داؤد را که وی واقعا میخواهد موجودیت سیاسی و اقتصادی امریکا و دیگر ممالک و مؤسسات بین المللی در افغانستان باقی بماند، صادقانه میپنداریم و میدانیم که داؤد آرزو دارد تا با استفاده از این موجودیت غیر شوروی تعادل سیاسی را بر ضد نفوذ شوروی حفظ نموده و استقلال افغانستان را حفاظت نماید. این مسئله بکلی وضاحت داده شده که وی توقع کمک های عظیم اقتصادی را از تمام منابع دارد، اما داؤد کمک ها را بر اساس شرایط خودش میخواهد نه بر اساس شرایط تحمیل شده توسط خارجی ها. اما ما شاهد این هم هستیم که خصومت با امریکا در جنبه های مختلف این دولت شدت یافته است و ما باید پیش بین این باشیم که درجه فشار و مزاحمت بر ما

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپرلو مخکې په خبر و لولئ

توسط مقامات انفرادی در دولت و پولیس و دیگر مقامات ملکی در وزارت ها که قبلاً از قدرت دور بوده اند، افزایش خواهد یافت.

**8 -** باید متذکر شد که در حال حاضر داؤد یگانه شخص منحصر به فرد افغانستان است که منحصراً یک رهبر واقعی و اصلی ملی افغانستان مورد قبول اردوی افغانستان، اقوام، اقشار تحصیلکرده، شاگردان، محصلین و مردم عام میباشد. صرف نظر از اینکه این اقشار ملت افغانستان چپی هستند و یا به عنعنات ملی افغانستان معتقد هستند. البته این قبولی به این معنی نیست که این هیچ امکان نخواهد داشت که کدام دگرمن جوان اردو اقدام به بدست گرفتن قدرت نخواهد کرد، اما ما به این عقیده هستیم که این دو ماه گذشته تأثیر شدیدی بر این صاحب منصبان جوان گذاشته است و آنها دیده اند که بدست گرفتن قدرت بسیار آسانتر از اداره کردن دولت است.

**9 -** گذشته از این داؤد بسیار هوشیارتر و دارای تجربه سیاسی و اداری زیادتر است در مقایسه با این صاحب منصبان همکار جوان خود. اگر طور مثال از نظر احتمال محاسبه کنیم به نظر ما چانس داؤد از 50% بسیار بالاتر است که آهسته آهسته قدرت شخصی خود را بر این رژیم مستحکم تر بسازد و دوباره یک رژیم تیغ دار، متمرکز برداخل، مستقل، شدیداً ملی و نوع خاص افغانی را بوجود خواهد آورد که در سال های 1950 رهبری میکرد، البته اگر اتحاد شوروی دست به سیاست مداخله فعال بیشتر نزنند که از نظر ما بعید به نظر میرسد و یا یک تصمیم غیر عاقلانه و جاهلانه توسط بوتو گرفته نشود که گفته است "به داؤد باید یک درس داده شود". در ظرف هفته های آینده اگر دو استثنای فوق صورت نگیرد، پیشبینی که ما توضیح کردیم از جمله احتمالی ترین پیشبینی ها برای رژیم موجود محسوب میشود. در حال گذشت روزها و هفته ها از همه زیاده تر به نفع داؤد است نه صاحب منصبان جوان. اگر داؤد بتواند دوام این هفته ها را به ماه ها اداره کند، موقعیت وی منحصراً مرد قدرتمند افغانستان تثبیت خواهد شد.» (لوئیس)

[فشرده گزارش سفارت ایالات متحده امریکا در کابل عنوانی وزارت خارجه آن کشور که دو ماه بعد از کودتای 26 سرطان در باره آینده نظام جمهوری ارسال گردید.] (ترجمه: احمد فواد ارسلان، منتشره: افغان جرمن آنلاین، مورخ 24 جنوری 2016)

<https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1969-76ve08/d8>

وقایع بعدی نشان داد که آنچه در این گزارش مورد پیشبینی قرار گرفته بود، قدم بقدم تحقق پذیرفت و محمد داؤد از همان روز های اول کوشید تا کمیته مرکزی را در مقامات اداری و اجرایی دولت به حیث مادون ریاست دولت بکار مصروف سازد و نیز فوقیت اراده خود را بر آنها به منصفه ظهور برساند، چنانچه در مورد اعزام خانواده پادشاه سابق به روم و نیز در مورد مقرری جنرال مستغنی در پست حساس و مهم درستیوال وزارت دفاع و وحید عبدالله به حیث معین وزارت خارجه که هر دوی شان شامل حلقه کودتا نبودند، بدون اعتناء به کمیته مرکزی اقدام کرد. محمد داؤد بدینوسیله خواست تا فوقیت مقام ریاست دولت را به اعضای کمیته مرکزی عملاً نشان دهد. البته او در عین زمان کوشید تا انتخاب بیشتر اعضای کابینه را به دکتر حسن شرف به حیث معاون صدارت بسپارد تا آنها را در لحظات حساس که هنوز نظام جدید پایه های مقدماتی خود را استوار نکرده بود، به امید آینده دلگرم سازد و نیز مقامات شوروی را به امید آنکه دورنمای اجرائات بعدی نظام را در نظر آنها امید بخش جلوه دهد، تا حدی به تفاهم با خود نگهدارد. روابط گرم و دوستانه محمد داؤد در آغاز با شوروی و نیز حین سفر اولش به مسکو انعکاسی از همین رویه بود که بعداً تغییر کرد.

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم